

## فارسی و نگارش (۲)

-۱

(مریم شمیرانی)

واژه‌هایی که غلط معنی شده‌اند: فراغ: آسایش، آسودگی / نماز پیشین: نماز ظهر

(فارسی ۲، لغت، واژه‌نامه)

-۲

(الهام ممدری)

موسم: زمان، هنگام / بیرق: رایت، پرچم، درفش / تمکن: توانگری، ثروت / پالیز: باغ، گلزار، کشتزار

(فارسی ۲، لغت، واژه‌نامه)

-۳

(حسن و سگری - ساری)

در گزینه «۴»، «عاری» به معنی «بی‌بهره، فاقد و مبراً» نادرست نوشته شده است.

(فارسی ۲، املا، صفحه ۴۰)

-۴

(الهام ممدری)

املا‌ی صحیح کلمه، «عظیم» است.

(فارسی ۲، املا، صفحه ۳۲)

-۵

(مریم شمیرانی)

در گزینه‌های «۲، ۳ و ۴»، «هگیر» به معنای «خرده گرفتن» ولی در گزینه «۱»، به معنای «دریافت کردن» آمده است.

(فارسی ۲، لغت، صفحه ۳۳)

-۶

(مریم شمیرانی)

«مستقر و قرار» از ریشه «قرَر» و «مقرّر (خواننده)» از ریشه «قرء» گرفته شده است.

(فارسی ۲، لغت، صفحه ۳۴)

-۷

(افسان بزرگر - رامسر)

در گزینه‌های «۱، ۲ و ۳» فعل مجهول است: در حالی که در گزینه «۴» فعل «آمد» فعل معلوم است و واژه «نبشته» صفت و وابسته «قضا» است؛ یعنی قضای نوشته شده.

تکات مهم درسی:

فعل مجهول به کمک مصدر «شدن» ساخته می‌شود، اما در گذشته با افعال دیگری مانند «آمدن» و «گشتن» نیز ساخته می‌شد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: کشته گردم = (کشته شوم): فعل مجهول

گزینه «۲»: خطایی کرده آمد = (خطایی کرده شد): فعل مجهول

گزینه «۳»: «رانده شد»، «خوانده شد»: فعل مجهول

(فارسی ۲، زبان فارسی، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

-۸

(ابراهیم رضایی، مقرر - لاهیجان)

اجزای سازنده بیت گزینه «۴» این گونه مرتب می‌شود:

«تا دیده به خار پای من واگرد، خون ز چشم نقش پایم روان شد.»

گزینه‌های دیگر به شیوه عادی بیان شده است.

(فارسی ۲، زبان فارسی، صفحه ۵۶)

-۹

(سید ممدعلی مرتضوی)

«پنهان و فاش» تضاد دارند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۱»: «از تزلزل محکم شدن»، در گزینه «۲»: «وسیع تر از ملک سلیمان در چشم تنگ مور به سر بردن» و در گزینه «۳»: «بی‌قیمتی از گران قیمتی» تناقض دارند.

(فارسی ۲، آرایه‌های ادبی، صفحه ۴۵)

-۱۰

(سعید گنج‌بفش زمانی)

مجازها در سایر ابیات عبارت‌اند از:

گزینه «۱»: «آب» مجاز از «رودخانه یا دریا» / گزینه «۲»: «شمشیر»: مجاز از «قدرت یا جنگ و مبارزه» / گزینه «۴»: «سر» مجاز از «قصد و اندیشه»

(فارسی ۲، آرایه، صفحه ۲۲)

-۱۱

(رضا جان نثارکوتنه شهری - سلماس)

در این گزینه مجاز به کار نرفته است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «جمع» ایهام دارد: ۱- جمع شدن مجموعه‌ای از انسان‌ها ۲- آسوده خاطر

گزینه «۲»: «شکرخند» حس آمیزی دارد.

گزینه «۴»: «وفاداری شمع» و «خاکستر به سر ریختن در ماتم پروانه» آرایه تشخیص دارد.

(فارسی ۲، آرایه، ترکیبی)

-۱۲

(الهام ممدری)

«زندگانی جلال الدین محمد» از بدیع الزمان فروزانفر / «اسرارالتوحید» از محمد بن منور / «فرهاد و شیرین» از وحشی بافقی

(فارسی ۲، تاریخ ادبیات، ترکیبی)

-۱۳

(مفسن اصغری)

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: رضایت و خشنودی از قضا و قدر الهی

مفهوم بیت گزینه «۳»: سرنوشت و قضا و قدر نتیجه اعمال ماست. (از ماست که بر ماست).

(فارسی ۲، مفهوم، مشابه صفحه ۴۰)

## عربی (زبان قرآن (۱)

۱۴-

(ابراهیم رضایی مقرر - لاهیجان)

مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌های «۱، ۲ و ۳»، «ارزشمندی معشوق و آرامش بخشی نام اوست» اما مفهوم بیت گزینه «۴»، «دعوت به خوش باشی» است.

(فارسی ۲، مفهوم ۳، صفحه ۳۵)

۱۵-

(حسن وسکری - ساری)

در گزینه «۱» درمان درد (عشق) با صبر قابل تصور است و در دیگر گزینه‌ها درد عشق را درمانی نیست.

(فارسی ۲، مفهوم ۳، صفحه ۵۵)

۱۶-

(امسان برزگر - رامسر)

گزینه «۴»، شاعر از بهشت به عشق محبوب آمده در حالی که گزینه‌های «۱، ۲ و ۳» به بازگشت به عالم معنا و بازگشت به اصل و عروج انسانی به ملکوت اشاره دارد.

(فارسی ۲، مفهوم ۳، صفحه ۳۵)

۱۷-

(حسن وسکری - ساری)

فقط در بیت گزینه «۳»، اشاره‌ای به فقر اختیاری و قناعت نشده است.

(فارسی ۲، مفهوم ۳، صفحه ۳۰)

۱۸-

(حسن وسکری - ساری)

در بیت گزینه «۱»، گوشه‌گیری نکوهش شده است، ابیات سایر گزینه‌ها در ستایش گوشه‌گیری است.

(فارسی ۲، مفهوم ۳، مشابه صفحه ۵۸)

۱۹-

(حسین پرهیزگار - سبزوار)

بیت «الف»: او بسیار خردمند است. / بیت «د»: لطف تو عقل را تعلیم داده و خوی تو بیماری مردم را شفا بخشیده است.

(فارسی ۲، مفهوم ۳، صفحه ۵۷)

۲۰-

(کاترم کاترمی)

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۲» این است که عزت و ذلت بندگان در دست خداوند و وابسته به خواست و اراده اوست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: خواری و ذلت و سختی در عشق و طریق یار، مایه عزت و سربلندی است.

گزینه «۳»: با وجود آن که روزگار مرا خوار و ذلیل کرده است، عزیز و سربلند هستم.

گزینه «۴»: ارزش وجود جان و سر (وجود) افراد با خدمت و فدا شدن در راه یار (ممدوح) حاصل می‌شود.

(فارسی ۲، مفهوم ۳، صفحه ۱۰)

۲۱-

(رضا معصومی، ترجمه، ترکیبی)

«سأل الله»: از خداوند می‌خواهم / «أن يساعدني»: که مرا یاری کند / «للإبتعاد عن»:

برای دور شدن از / «الأراذل»: پست‌ترین‌ها، جمع «أرذل» / «التقرب إلى»: نزدیک

شدن به / «الأفاضل»: نیکوترین‌ها، جمع «أفضل»

۲۲-

(رضا معصومی، ترجمه، ترکیبی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «أحسن الأحوال»: نیکوترین حالت‌ها

گزینه «۲»: «حاولا» فعل ماضی سوم شخص جمع و به معنی «کوشیدند» است.

(حاولا أن يجدا: کوشیدند تا بیابند)

گزینه «۳»: «قد شبه» فعل ماضی نقلی مجهول برای سوم شخص مفرد و به معنای

«تشبیه شده است» می‌باشد.

۲۳-

(مریم آقاییاری، ترجمه، ترکیبی)

در این عبارت «یتعلم» به معنای «یاد می‌گیرند» صحیح است.

معادل عربی «یاد می‌دهند» در این جا فعل «یتعلم» می‌شود.

۲۴-

(درویشعلی ابراهیمی، ترجمه، صفحه ۱۸)

سألت: پرسیدم / طبيباً: پزشکی / عن: درباره، از / أحوال: احوال، حالات / الصديق:

دوست / بعد: دوری / عذاب: درد، رنج / قرب: نزدیکی / سلامة: تندرستی، سلامتی

۲۵-

(درویشعلی ابراهیمی، تعویب، صفحه ۱۹)

لِمَ (لماذا): چرا - برای چه / يبحث ... عن: به دنبال ... می‌گردند (در این جا) / عین:

چشمه / الظلمات: تاریکی‌ها

-۲۶

(در رویشعلی ابراهیمی، مفهوم، صفحه‌ی ۱۸)

گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» دارای پیام مشترک «آزموده را میازمای» هستند، در حالی که گزینه‌ی «۳» می‌گوید «با امتحان و آزمایش می‌توان خالصی و ناخالصی را از هم شناخت.» که با بقیه متفاوت است.

-۲۷

(سعیر یعفری، لغت، صفحه‌ی ۴ و ۲۰)

مُخْتَل = مُعْجَب بِنَفْسِهِ (خودپسند) / غَدَاةٌ (صبحگاه) ≠ عَشِيَّةٌ (شامگاه)

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: مساء: شامگاه / فخور: خودپسند

گزینه‌ی «۲»: متواضع: فروتن / صباح: صبحگاه

گزینه‌ی «۳»: متکبر: خودپسند

-۲۸

(سعیر یعفری، لغت و اصطلاحات، ترکیبی)

گزینه‌ی «۱»: چهارپایی است که غالباً برای حمل و سواری در شهرها آن را به کار می‌گیریم. (خر) ← نادرست است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۲»: او کسی است که روبه‌روی تو فروتنی می‌کند و پشتت به تو می‌خسدد. (دور)

گزینه‌ی «۳»: در کارهای تجاری و علمی، غالباً آن را به کار می‌بریم. (ترازو)

گزینه‌ی «۴»: مکانی که در آن نهار، شام و صبحانه به میهمانان تقدیم می‌کنیم. (رستوران)

-۲۹

(سعیر یعفری، لغت و مفهوم، صفحه‌ی ۱۸)

مدرّس ما در دانشگاه گفت: بیت‌های فارسی آمیخته به عربی، «ملمّع» نامیده می‌شوند.

-۳۰

(رضا معصومی، مکالمه، صفحه‌ی ۱۰)

گفت‌وگوی عبارت «د» بر اساس کتاب درسی نادرست است. طرف دوم این گفت‌وگو به این صورت درست است: «سیدی / سیدتی، یختلف السّعر حسب التّوعیات!»

■ ترجمه‌ی متن:

غیبت کردن کار بدی است که خداوند در قرآن از آن نهی کرده و کسی را که درباره دیگران با کلام بد در غیابشان حرف می‌زند، به کسی تشبیه کرده که گوشت برادر مرده‌اش را می‌خورد! پس غیبت کردن از دیدگاه اسلام از ناپسندترین کارهاست! و از پیامبرمان (ص) روایتی نقل شده که در آن می‌فرماید: «کسی که درباره مرد یا زن مسلمانی غیبت کند، خداوند متعال نه نماز او و نه روزه‌اش را چهل روز و شب قبول نمی‌کند.» و از دلایلی که غیبت را در اسلام حرام می‌کند، علاقه شدید اسلام بر همزیستی مردم با دوستی و حفظ ارتباط میان آن‌هاست، زیرا غیبت نگاه مردم به دیگران را خراب می‌کند، پس آن بسیار آفریننده مشکلات و فاسدکننده روابط است! از این رو اسلام آن را حرام کرده و آن را از گناهان کبیره برشمرده است. حقیقت این است که بسیاری از مشکلات ما با دیگران حل می‌شود وقتی بیاموزیم که «با آن‌ها» سخن بگوییم به جای این که «درباره آن‌ها» سخن بگوییم!

-۳۱

(هسام حاج مؤمن، درک مطلب، ترکیبی)

مناسب‌ترین عنوان برای متن، «غیبت کردن و آثار منفی آن» است. مطالب مذکور در گزینه‌های دیگر، فقط در بخشی از متن آمده‌اند.

**ترجمه‌ی گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۲»: «چرا اسلام غیبت را حرام کرده است؟»

گزینه‌ی «۳»: «غیبت در قرآن»

گزینه‌ی «۴»: «غیبت از گناهان بزرگ است.»

-۳۲

(هسام حاج مؤمن، درک مطلب، ترکیبی)

با توجه به حدیثی که در متن از پیامبر (ص) روایت شده، «بدگویی تو درباره شخص غایب، واجباتی را که انجام می‌دهی باطل می‌کند!»

**ترجمه‌ی گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: «کسی که دیگران را در غیابشان به بدی یاد می‌کند، در حقیقت بعد از مرگشان گوشتشان را می‌خورد!» این موضوع به‌عنوان یک تشبیه ذکر شده، نه این که حقیقتاً این اتفاق می‌افتد!

گزینه‌ی «۳»: «هدف از حرام کردن غیبت، فقط استمرار رابطه میان مردم است!» بر اساس متن فقط، این هدف نیست.

گزینه‌ی «۴»: «غیبت کردن مسلمانان را از انجام نماز و روزه بازمی‌دارد!» در متن آمده غیبت باعث می‌شود خداوند نماز و روزه را نپذیرد، نه این که کسی را از انجام این کارها بازدارد.

-۳۳

(مسام) حاج مؤمن، درک مطلب، ترکیبی)

در پایان متن آمده ما باید به‌جای این‌که درباره دیگران حرف بزنیم، با آن‌ها حرف بزنیم. پس این بی‌ربط است که «ما باید یاد بگیریم چگونه با یکدیگر حرف بزنیم!»  
گزینه‌های دیگر با توجه به مفهومی که بیان شد، درست‌اند:

**ترجمه‌ی گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: «گفتگو کردن مفیدترین راه برای اصلاح روابط است!»

گزینه‌ی «۲»: «بهتر این است که در غیاب دیگران، درباره‌شان حرف نزنیم!»

گزینه‌ی «۳»: «حرف زدن درباره شخص غایب، گاه مشکلاتی برای ما خلق می‌کند!»

-۳۴

(مسام) حاج مؤمن، درک مطلب، ترکیبی)

در جمله‌ی «هی خَلْقَةُ الْمَشَاكِلِ»، کلمه «خَلْقَةُ» اسم مبالغه بر وزن «فَعَالَةٌ»، و خیر برای مبتدا (هی) است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: «اَكْرَهُ» مجرور به حرف جرّ (من) است.

گزینه‌ی «۲»: «مَنْظَرٌ» اسم مکان بر وزن «مَنْعَلٌ» است.

گزینه‌ی «۴»: «مُسْلِمٌ» اسم فاعل از مصدر «إِسْلَامٌ» است.

-۳۵

(مسام) حاج مؤمن، درک مطلب، ترکیبی)

در «حَرَمَها الإِسْلَامُ»، «حَرَمٌ» فعل ماضی از باب «تَفَعَّلٌ» (تحریم) است که ضمیر «ها» مفعول آن، و «الإِسْلَامُ» فاعل آن و مرفوع است: (اسلام آن را حرام کرد).

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: «سَيِّئٌ» صفت برای «عملٌ» (خیر) و به تبعیت از آن مرفوع است.

گزینه‌ی «۲»: «رَوَايَةٌ» نائب فاعل و مرفوع برای فعل مجهول «تَقَلَّتْ» است.

گزینه‌ی «۳»: «الغَيْبَةُ» مفعول و منصوب برای فعل «تُحْرَمُ» است.

-۳۶

(علی‌اکبر ایمان‌پرور، قواعد، صفحه‌ی ۷)

«خیر (خوبی و نیکی) در چیزی است که بین مردم اتفاق افتاده است.» در این عبارت «خیر» به معنی خوبی و نیکی است و اسم تفضیل نیست. ولی در سایر گزینه‌ها «خیر» به معنی «بهتر و بهترین» و اسم تفضیل است.

-۳۷

(علی‌اکبر ایمان‌پرور، قواعد، صفحه‌ی ۵ تا ۷ و ۹)

در این عبارت «مَكْتَبَةٌ» اسم مکان و «أكبر» اسم تفضیل است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: در این عبارت، فقط اسم مکان «مَتَجَرٌ» (مغازه) آمده است.

گزینه‌ی «۳»: در این عبارت فقط اسم مکان «المعابد» (جمع المعبد) آمده است و «أَسْخَطَ» فعل ماضی است.

گزینه‌ی «۴»: در این عبارت فقط دو اسم تفضیل «أَفْضَلُ» و «الذَّاتِيَا» آمده‌اند. (اسم مکان نداریم.)

-۳۸

(مبیر همایی، قواعد، صفحه‌ی ۵ تا ۷)

در گزینه‌ی «۳»، «الشَّرَّ» به معنای «بد»، اسم تفضیل نیست.

در سایر گزینه‌ها، به ترتیب کلمات «أَشْجَعُ، الحُسْنَى و خَيْرٌ» اسم تفضیل‌اند.

-۳۹

(مبیر همایی، قواعد، صفحه‌ی ۸)

در گزینه‌ی «۳»، «المرء» از نوع اسم مکان نیست، ولی در سایر گزینه‌ها کلمات «مداخل، مزارع و المطبعة» اسم‌های مکان هستند.

-۴۰

(علی‌اکبر ایمان‌پرور، قواعد، صفحه‌ی ۲۱ تا ۲۳)

در این عبارت، «فَهَامَةٌ» (بسیار فهمیده) اسم مبالغه و «مُنْتَظَمَةٌ» مشتق از نوع اسم مفعول است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: «مَصَادِقَةٌ» مصدر باب مُفَاعَلَةٌ و «الكَذَابُ» اسم مبالغه است.

گزینه‌ی «۲»: «الحُكَامُ» (مفردش حاکم) اسم فاعل و «مُسَلِّطُونَ» (مفردش مُسَلِّطٌ) اسم مفعول است.

گزینه‌ی «۳»: «السَّيَّارَةُ» (ماشین) وسیله است و اسم مبالغه نیست و «مَصْنُوعَةٌ» اسم مفعول است.

## دین و زندگی (۲)

۴۱-

(مفهم مقرر، هدایت الهی، صفحه‌ی ۷)

انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند» و کدام هدف است که می‌تواند با اطمینان خاطر زندگی‌اش را صرف آن نماید؟ او می‌داند که اگر هدف حقیقی خود را نشناسد، یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده است و چنین کسی در حقیقت «سرمایه‌ی وجودی خود» را از بین برده است.

۴۲-

(مفهم آقا صالح، تداوم هدایت، صفحه‌ی ۱۷)

خداوند در قرآن می‌فرماید: «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نیبمودند مگر پس از آنکه به حقانیت آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت.»

هم‌چنین در قرآن آمده است: «خداوند از دین، همان را برایتان بیان کرد که نوح را بدان سفارش نمود. و آنچه را ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، این بود که دین را به پا دارید، و در آن تفرقه نکنید.»

۴۳-

(مرتضی مسنی کبیر، آخرین پیامبر، صفحه‌ی ۳۳)

براساس آیه‌ی شریفه «و من یبتغ غیر الاسلام دیناً...» و هر کس غیر از دین اسلام دینی را برگزیند...» زبان آخرت نصیب کسانی است که راه اسلام را که مورد خشنودی خداوند و تنها راه درست زندگی است نادیده گرفته‌اند و غیر از اسلام دین دیگری اختیار کرده‌اند. زبان آخرت معلول (نه علت) رهایی دینی است که محتوای آن کاملاً از جانب خداوند متعال است (رد گزینۀ «۲»)

۴۴-

(فرزین سماقی - لرستان، آخرین پیامبر، صفحه‌ی ۲۹)

دینی می‌تواند برای همیشه ماندگار باشد که بتواند به همه‌ی سؤال‌ها و نیازهای انسان‌ها در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها پاسخ دهد. دین اسلام ویژگی‌هایی دارد (پویایی و روزآمد بودن) که می‌تواند پاسخگوی نیازهای بشر در دوره‌های مختلف باشد.

۴۵-

(فرزین سماقی - لرستان، آخرین پیامبر، صفحه‌ی ۲۹)

در عصر نزول قرآن، با اینکه مردم حجاز سطح فرهنگی پایینی داشتند، اما آسادی فکری و فرهنگی جوامع مختلف به میزانی بود که می‌توانست کامل‌ترین برنامه‌ی زندگی را دریافت و حفظ کند و به کمک آن، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به‌دست آورد.

۴۶-

(مفهم مقرر، معجزه‌ی جاویدان، صفحه‌ی ۳۱ و ۳۲)

پیامبری حضرت موسی (ع) در دورانی بود که سحر و جادو رواج داشت. بنابراین، معجزه‌ی ایشان تبدیل شدن عصایشان به اژدها بود. حضرت عیسی (ع) نیز در زمانی مبعوث شد که برخی شاخه‌های علم مانند پزشکی پیشرفت زیادی کرده بود و پزشکان، جایگاهی ویژه در جامعه داشتند. معجزه‌ی ایشان نیز بیشتر در همین راستا قرار گرفت.

بنابراین علت همه‌ی این تفاوت‌ها در معجزه‌های پیامبران الهی، تناسب معجزه‌ی هر پیامبر با زمان خود است.

معجزات پیامبران گذشته، فقط برای مردم آن زمان قابل مشاهده بود و امروز اثری از آن‌ها باقی نمانده است. آیه‌ی شریفه: «إِنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ...» نیز به نمونه‌هایی از معجزه‌های حضرت عیسی (ع) از زبان خودشان اشاره دارد.

۴۷-

(مفهم آقا صالح، معجزه‌ی جاویدان، صفحه‌ی ۳۶)

قرآن کریم نه تنها از فرهنگ جاهلیت تأثیر نپذیرفت، بلکه به شدت با آداب جاهلی و رسوم خرافی آن مبارزه کرد و به اصلاح جامعه پرداخت و از موضوع‌هایی همچون عدالت‌خواهی، علم‌دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان‌ها سخن گفته است.

خدا در قرآن می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»

۴۸-

(مفهم رضایی بقا، معجزه‌ی جاویدان، صفحه‌ی ۳۵)

زیبایی لفظی قرآن، سبب نفوذ خارق‌العاده‌ی این کتاب آسمانی در افکار و قلوب در طول تاریخ شده است و بسیاری از مردم به خصوص ادیبان و اندیشمندان تحت تأثیر آن مسلمان شده‌اند.

گذشته از اعجاز لفظی، قرآن کریم از لحاظ محتوا و مطالب آن ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد از قلم هیچ اندیشمندی تراوش نکرده است.

۴۹-

(مفهم مقرر، مسئولیت‌های پیامبر (ص)، صفحه‌ی ۶۱)

اگر پیامبری در تعلیم و تبیین دین و وحی الهی معصوم نباشد، امکان انحراف در تعالیم الهی پیدا می‌شود و اعتماد مردم به دین از دست می‌رود.

اگر پیامبری در اجرای احکام اسلامی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی که مخالف دستورهای خداست، انجام دهد و مردم نیز از او سرمشق بگیرند.

۵۰-

(مفهم آقا صالح، مسئولیت‌های پیامبر (ص)، صفحه‌ی ۵۸ و ۵۹)

اجرای هر قانون و پیروی از هر کس، هنگامی صحیح است که به‌گونه‌ای به قانون الهی و فرمان او باز گردد. کسانی که به مردم فرمان می‌دهند و قانون‌گذاری می‌کنند، در حالی که فرمان و قانونشان نشئت گرفته از فرمان الهی نیست، «طاغوت» نامیده می‌شوند و آیه‌ی «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَ مَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَكَّمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ...» مؤید آن است.

### دین و زندگی (۲) (شاهد «گواه»)

-۵۱

(کتاب آبی، هدایت الهی، صفحه‌ی ۱۱ کتاب درسی)

خداوند، در قرآن کریم درباره‌ی تمام و کامل شدن حجت الهی با فرستادن انبیا فرموده است: «رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و انذار کننده باشند، تا بعد از آمدن پیامبران برای مردم در مقابل خداوند، دستاويز و دلیلی نباشد.»

-۵۲

(کتاب آبی، آخرین پیامبر، صفحه‌ی ۳۳ کتاب درسی)

هر پیامبری که می‌آمد، به آمدن پیامبر بعدی بشارت می‌داد و بر پیروی از او تأکید می‌کرد.

-۵۳

(کتاب آبی، معجزه‌ جاویدان، صفحه‌ی ۴۴ کتاب درسی)

هر کس با زبان عربی آشنا باشد، به محض خواندن قرآن، درمی‌یابد که آیات آن با سایر سخن‌ها کاملاً فرق می‌کند و به شیوه‌ای خاص بیان شده است.

-۵۴

(کتاب آبی، معجزه‌ جاویدان، صفحه‌ی ۴۱ کتاب درسی)

کارهای خارق‌العاده‌ی پیامبران در قرآن کریم «آیت» و در نظر اندیشمندان اسلامی به معجزه موسوم است.

-۵۵

(کتاب آبی، معجزه‌ جاویدان، صفحه‌ی ۴۲ کتاب درسی)

بیان تأکیدی قرآن کریم در ناتوانی جن و انس برای آوردن «همانند قرآن» در عبارت شریفه «لایأتون بمثله» یعنی نمی‌توانند همانند آن (قرآن) را بیاورند بیان شده است.

-۵۶

(کتاب آبی، مسئولیت‌های پیامبر (ص)، صفحه‌ی ۶۰ کتاب درسی)

امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک‌آمیز است؛ چون حاکمش طاغوت است، ما موظفیم آثار شرک را از جامعه‌ی مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم.»

-۵۷

(کتاب آبی، مسئولیت‌های پیامبر (ص)، صفحه‌ی ۶۱ کتاب درسی)

خداوند با تشخیص ویژگی عصمت پیامبر او را به رسالت مبعوث می‌کند و بر اساس پیام آیه «الله اعلم حیث یجعل رسالته: خدا داناتر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد»، خداوند مسئولیت پیامبری را برعهده‌ی کسانی قرار می‌دهد که می‌داند توانایی انجام این مسئولیت را دارند.

-۵۸

(کتاب آبی، مسئولیت‌های پیامبر (ص)، صفحه‌ی ۶۰ کتاب درسی)

رسول خدا (ص) با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی، به مرتبه‌ای از کمال نائل شد، که می‌توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و به اذن الهی در عالم خلقت تصرف نماید که این موضوع همان ولایت معنوی ایشان است. میزان بهره‌مندی انسان‌ها از هدایت معنوی به درجه‌ی ایمان و عمل آنان بستگی دارد.

-۵۹

(کتاب آبی، تداوم هدایت، صفحه‌ی ۱۹ کتاب درسی)

یکی از علل آمدن پیامبران متعدد رشد تدریجی سطح فکر مردم است و بدین منظور در هر دوره‌ای پیامبران جدیدی مبعوث می‌شدند تا دین الهی را در خور فهم و اندیشه‌ی انسان‌های دوران خود بیان کنند و حدیث «انما معاشر الانبیاء امرنا ان نكلم الناس علی قدر عقولهم» بیانگر این موضوع است.

-۶۰

(کتاب آبی، آخرین پیامبر، صفحه‌ی ۲۹ کتاب درسی)

آمادگی جامعه‌ی بشری برای دریافت برنامه‌ی کامل زندگی از عوامل ختم نبوت است و در پرتو عنایت الهی و با اهمیتی که پیامبر اکرم (ص) در جمع‌آوری و حفظ قرآن داشت و تلاش و کوشش مسلمانان، قرآن کریم دچار تحریف نشد و هیچ کلمه‌ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

## زبان انگلیسی (۲)

-۶۱

(فوار مؤمنی)

ترجمه جمله: «اکثر دانش‌آموزان روش آزمون گرفتن دکنتر کلمنس را بسیار دوست می‌دارند. او همیشه کمی به ما وقت می‌دهد تا قبل از آزمون آماده شویم.»  
توضیح: بعد از فعل باید از قید مناسب استفاده کنیم، بنابراین پیشرو "a lot of" نمی‌تواند مناسب این بخش از سؤال باشد (رد گزینه «۲»). در بخش دوم سؤال، "time" اسم غیر قابل شمارش است، بنابراین با "many" سازگار نخواهد بود (رد گزینه «۱»). چون از جمله مفهومی مثبت استنباط می‌کنیم، پس "little" که به چیز کم و ناکافی اشاره می‌کند، نیز پاسخ مناسبی نخواهد بود (رد گزینه «۳»).

(گرامر)

-۶۲

(میر حسین زاهدی)

ترجمه جمله: «مطمئن بودم که او آنچه را که اتفاق افتاده بود کاملاً می‌دانست. به شکلی جالب، حرف متفاوتی زد و سعی کرد وانمود کند که ناآگاه است.»  
(۱) صادقانه  
(۲) صبورانه  
(۳) به‌طور منظم  
(۴) به شکلی جالب

(واژگان)

-۶۳

(شواب اناری)

ترجمه جمله: «خیلی ضروری است که یک معلم خوب وقتی که در کلاس سخنرانی می‌کند، به صورت روان صحبت کند.»  
(۱) عصبی  
(۲) روان  
(۳) مشهور  
(۴) تاریخی

(واژگان)

-۶۴

(رضا کیاسالار)

ترجمه جمله: «مطابق معمول، این منم که باید مصاحبه‌ای را برای رئیس تنظیم کنم. نمی‌دانم چرا منشی به خودش زحمت نمی‌دهد تا چنین وظیفه ساده‌ای را انجام دهد.»  
(۱) مراسم  
(۲) دکه روزنامه فروشی  
(۳) مصاحبه  
(۴) جمعیت

(واژگان)

-۶۵

(علی شلوهی)

ترجمه جمله: «رفتار جان نسبت به همکارانش از زنان تا مردان خیلی زیاد فرق می‌کند: دوستانه با مردان، اما جدی و کمی بی‌ادبانه با زنان.»  
(۱) جست‌وجو کردن  
(۲) فرق کردن  
(۳) مربوط بودن به  
(۴) شارژ کردن

(واژگان)

-۶۶

(عبدالرشید شفیعی)

برای بیان مقدار "water" باید از کلمات "glass" و "bottle" و یا استفاده کرد.

(کلوز تست)

-۶۷

(عبدالرشید شفیعی)

برای بیان مقدار "bread" باید از کلمه "loaf" استفاده کرد که در حالت جمع تبدیل به "loaves" می‌شود.

(کلوز تست)

-۶۸

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) متغیر بودن  
(۲) تصور کردن  
(۳) احترام گذاشتن  
(۴) یافتن

(کلوز تست)

-۶۹

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) قاره‌ای  
(۲) سریع  
(۳) معروف  
(۴) احتمالی

(کلوز تست)

-۷۰

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) قرن  
(۲) جامعه  
(۳) شمع  
(۴) خط‌کش

(کلوز تست)

-۷۱

(کتاب جامع)

ترجمه جمله: «یک نوزاد در چند ماه اول زندگی یاد می‌گیرد چگونه سرش را بلند کند، لبخند بزند و والدینش را تشخیص دهد.»

“a lot” قید است و با اسم به‌کار نمی‌رود. “many” و “a lot of” مفهوم مشابهی دارند و با توجه به معنای جمله، مناسب نیستند.

(گرامر)

-۷۲

(کتاب جامع)

(۱) آماده، در دسترس (۲) موردعلاقه

(۲) خارجی (۳) ممکن (۴)

(مکالمه)

-۷۳

(کتاب جامع)

(۱) صادقانه بگویم (۲) واقعاً

(۲) خواهش می‌کنم (۳) به‌علاوه (۴)

(مکالمه)

-۷۴

(کتاب جامع)

(۱) قطعاً، حقیقتاً (۲) به‌طور شفاهی

(۲) با قدرت (۳) به‌طور متفاوت (۴)

(مکالمه)

-۷۵

(کتاب جامع)

(۱) فرهنگی (۲) در معرض خطر

(۲) بومی (۳) زنده (۴)

(مکالمه)

-۷۶

(کتاب جامع)

(۱) متغیر بودن (۲) وجود داشتن

(۳) ارتباط برقرار کردن (۴) فهمیدن، درک کردن

(مکالمه)

-۷۷

(کتاب جامع)

ترجمه جمله: «واضح است که افراد ممکن است هنوز انتظار داشته باشند که سبک نوشتاری‌شان بهتر خواهد شد.»

(درک مطلب)

-۷۸

(کتاب جامع)

ترجمه جمله: «انسان اولیه می‌توانست تصاویر را بکشد، اما او نمی‌توانست حروف را بنویسد.»

(درک مطلب)

-۷۹

(کتاب جامع)

ترجمه جمله: «ما نمی‌توانستیم هیچ اطلاعاتی از انسان اولیه داشته باشیم اگر او هیچ تصویری نکشیده بود.»

(درک مطلب)

-۸۰

(کتاب جامع)

ترجمه جمله: «اطلاعات ما درباره‌ی انسان اولیه براساس تصاویری است که روی دیوارهای غار کشیده شده است.»

(درک مطلب)





## ریاضی و آمار (۱۶)

-۸۱

(فردر زرائدوز، گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها، صفحه‌ی ۲ تا ۴)

می‌دانیم نمودار جعبه‌ای، فقط برای نمایش یک متغیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. بقیه گزاره‌ها همگی ارزش درست دارند. توجه کنید که در نمودار گزینه «۲» از عدد ۳ بیش از یک پیکان خارج شده است، به همین علت،  $f$  تابع نیست.

-۸۲

(امیر زرائدوز، گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها، صفحه‌ی ۲ تا ۷)

با توجه به جدول ارزش گزاره‌ها داریم:

p	q	$\sim p$	$\sim q$	$\sim p \Rightarrow \sim q$	$p \vee (\sim p \Rightarrow \sim q)$
T	T	F	F	T	T
T	F	F	T	T	T
F	T	T	F	F	F
F	F	T	T	T	T

-۸۳

(همید زرین‌کفش، گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها، صفحه‌ی ۲ تا ۱۱)

به بررسی تک تک گزینه‌ها می‌پردازیم:

(۱) این گزاره همواره درست است، زیرا اگر  $p$  درست باشد، در این صورت  $p \vee \sim q \equiv T$  و  $T \Rightarrow T \equiv T$  و اگر  $p$  نادرست باشد، گزاره شرطی به انتقای مقدم درست می‌باشد، پس این گزاره همواره درست است و به ارزش  $p$  بستگی ندارد.

(۲) اگر  $q$  درست باشد، این گزاره درست و اگر  $q$  نادرست باشد، در این صورت  $\sim q \wedge p \equiv \sim q$  و ارزش گزاره  $\sim q \wedge p$  بستگی دارد و آنگاه ارزش کل گزاره در این حالت به  $p$  بستگی دارد.

(۳) اگر  $q$  نادرست باشد، در این صورت ارزش کل گزاره نادرست و اگر  $q$  درست باشد، در این صورت  $p \vee q$  دارای ارزش درست و ترکیب عطفی آن با  $q$  نیز دارای ارزش درست می‌باشد، پس در این حالت گزاره مرکب هم‌ارز  $q$  می‌باشد.

(۴) اگر  $p$  درست باشد، ترکیب فصلی آن با هر گزاره دلخواهی درست است و اگر  $p$  نادرست باشد، در این صورت  $p \wedge q$  دارای ارزش نادرست و آنگاه ترکیب فصلی آن با  $p$  نیز نادرست است، پس گزاره مرکب در این حالت هم‌ارز با  $p$  می‌باشد.

-۸۴

(امیر زرائدوز، گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها، صفحه‌ی ۲ تا ۱۱)

ارزش  $p \Rightarrow (q \vee r)$  نادرست است. پس ارزش  $p$  درست و ارزش  $(q \vee r)$  نادرست است. از نادرستی ارزش  $(q \vee r)$  نتیجه می‌گیریم که هم  $q$  و هم  $r$  ارزش نادرست دارند. حال خواهیم داشت:

$$[\sim (q \wedge p) \Rightarrow \sim r] \equiv [\sim (\underbrace{F \wedge T}_F) \Rightarrow \sim F] \equiv (T \Rightarrow T) \equiv T$$

$$(q \Leftrightarrow \sim r) \Rightarrow \sim p \equiv [\underbrace{F \Leftrightarrow \sim F}_F] \Rightarrow \sim T \equiv F \Rightarrow F \equiv T$$

-۸۵

(امیر زرائدوز، استدلال ریاضی، صفحه‌ی ۱۶ تا ۱۸)

الف) جمع  $\sqrt{6}$  با  $\sqrt{2}$  به صورت  $\sqrt{6+2}$  نادرست است.

پ)  $(-3)$  ها را نمی‌توانیم از صورت و مخرج کسر ساده کنیم، چون بین  $-3$  و  $x$  در صورت کسر، علامت جمع وجود دارد. (اگر علامت ضرب بود می‌توانستیم  $-3$  ها را ساده کنیم.)

ت) فرجه رادیکال زوج است، پس باید این طور بنویسیم:  $|\sqrt{x^2}| = |x|$ 

ث) اگر طرفین نامعادله در عدد منفی ضرب شود، جهت نامعادله عوض می‌شود.

$$\text{ج) معادله } 2 \text{ ریشه دارد، زیرا: } \begin{cases} x = 0 \\ x = 5 \end{cases} \Rightarrow x(x-5) = 0 \Rightarrow x^2 - 5x = 0$$

-۸۶

(همید زرین‌کفش، استدلال ریاضی، صفحه‌ی ۱۴ و ۱۵)

$$p \Rightarrow q$$

ساختار کلی مغالطه  $q$  می‌باشد که در گزینه‌های (۱) و (۲) و (۳) مغالطه  $\therefore p$

رخ داده است. ولی در گزینه (۴) استدلال قیاس استثنایی داریم که نتیجه آن درست است.

-۸۷

(همید زرین‌کفش، استدلال ریاضی، صفحه‌ی ۱۶)

چون اثبات مستقیم حکم «اگر  $a$  عددی گنگ باشد، آنگاه  $\sqrt{a}$  نیز عددی گنگ است.» دشوار می‌باشد، برای سادگی کار می‌توان از عکس نقیض گزاره اصلی که به صورت  $p \Rightarrow q$  می‌باشد، به صورت  $\sim q \Rightarrow \sim p$  استفاده کرد و به راحتی می‌توان ثابت کرد که اگر  $\sqrt{a}$  عددی گویا باشد، آنگاه  $a$  نیز عددی گویا است که با به تناقض رسیدن با این فرض، حکم اصلی ثابت می‌شود.

-۸۸

(فردر زرائدوز، استدلال ریاضی، صفحه‌ی ۱۶ تا ۱۸)

در گام سوم اشتباه رخ داده است، زیرا در صورت کسر سمت چپ داریم:

$$4(x-3) = 4x-12$$

-۸۹

(فردر زرائدوز، توابع ثابت، چند ضابطه‌ای و همانی، صفحه‌ی ۲۶ و ۲۷)

می‌دانیم در تابع ثابت، برد تابع فقط یک عضو دارد. در تابع  $f$  از زوج مرتب  $(10, 3)$  متوجه می‌شویم که برد تابع  $\{3\}$  است، پس در دو زوج مرتب دیگر هم، باید عضوهای دوم برابر ۳ باشند:

$$\begin{cases} 2x - y = 3 \\ x + y = 3 \end{cases}$$

$$3x = 6 \Rightarrow x = 2 \xrightarrow[\text{از معادلات}]{\text{جاگذاری در یکی}} 2 + y = 3 \Rightarrow y = 1$$

$$\Rightarrow \frac{x}{y} = \frac{2}{1} = 2$$



۹۰-

(امیر زراندوز، توابع ثابت، چند ضابطه‌ای و همانی، صفحه‌ی ۲۶ و ۲۷)  
هر عددی از دامنه که به تابع  $f$  وارد شود، خروجی‌اش  $k$  است. بنابراین خواهیم داشت:

$$\begin{aligned} f(f(a)) - f(f(b)) &= f(a).f(b) \Rightarrow f(k) - f(k) = k.k \\ \Rightarrow k &= k^2 \Rightarrow k^2 - k = 0 \Rightarrow k(k-1) = 0 \Rightarrow \begin{cases} k = 0 \\ k = 1 \end{cases} \end{aligned}$$

ریاضی و آمار (۲) (شاهد «گواه»)

۹۱-

(کتاب آبی، گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها، صفحه‌ی ۵ و ۶ کتاب درسی)  
ترکیب فصلی دو گزاره زمانی نادرست است که هر دو گزاره نادرست باشند. به همین منظور پاسخ صحیح گزینه «۴» خواهد بود. زیرا مربع عدد فرد عددی زوج است. گزاره‌های نادرست و همچنین واریناس داده‌های  $a, a, a$  مخالف صفر است نیز نادرست است. پس ترکیب فصلی آن‌ها نیز نادرست است.

۹۲-

(کتاب آبی، گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها، صفحه‌ی ۶ و ۷ کتاب درسی)  
هر چهار گزینه گزاره شرطی می‌باشند، حال ارزش درستی هر یک را می‌یابیم:  
گزینه «۱»: اگر ۵ جزء اعداد طبیعی است آنگاه  $\frac{1}{5}$  عددی گویاست. در این گزاره، مقدم و تالی هر دو درست هستند، پس گزاره شرطی دارای ارزش درست است.  
گزینه «۲»: اگر ۹۱ عدد مرکب است، آنگاه  $(\sqrt{2})^3$  عددی گویاست. در این گزاره، مقدم درست ولی تالی نادرست است، پس گزاره شرطی دارای ارزش نادرست است.  
گزینه «۳»: اگر ۱۰۰ مربع کامل نیست، آنگاه ۱۰۰ کوچک‌ترین عدد طبیعی سه رقمی است. در این گزاره، مقدم نادرست ولی تالی درست است، پس گزاره شرطی دارای ارزش درست است.  
گزینه «۴»: اگر ۳ تنها عدد فرد اول است، آنگاه ۲ تنها عدد زوج اول است. در این گزاره، مقدم نادرست ولی تالی درست است، پس گزاره شرطی دارای ارزش درست است.

۹۳-

(کتاب آبی، گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها، صفحه‌ی ۶ و ۷ کتاب درسی)  
به بررسی تک‌تک گزینه‌ها می‌پردازیم:  
گزینه «۱»:

p	q	$p \Rightarrow q$	$r \Rightarrow (p \Rightarrow q)$
د	د	د	د

گزینه «۲»:

p	q	$p \Rightarrow r$	$(p \Rightarrow r) \wedge q$
د	د	د	د

دقت کنید  $p \Rightarrow r$  به انتفای مقدم درست است.

گزینه «۳»:

p	q	$\sim p$	$q \Rightarrow r$	$(q \Rightarrow r) \Rightarrow \sim p$
د	د	د	نامعلوم	د

گزینه «۴»:

p	q	$\sim r \Rightarrow q$	$(\sim r \Rightarrow q) \Rightarrow p$
د	د	د	د

پس ارزش گزاره گزاره «۴» با دیگر گزینه‌ها متفاوت است.

۹۴-

(کتاب آبی، گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها، صفحه‌ی ۸ تا ۱۱ کتاب درسی)  
برای نوشتن نقیض گزاره دو شرطی باید تنها یکی از دو گزاره  $p, q$  نقیض شود، بنابراین نقیض گزاره دوشروطی  $(p \Leftrightarrow q)$  به صورت  $(\sim p \Leftrightarrow q)$  یا  $(p \Leftrightarrow \sim q)$  می‌تواند باشد، در نتیجه نقیض گزاره دو شرطی  $(p \Leftrightarrow q)$  به صورت موارد آ و ب است.

۹۵-

(کتاب آبی، گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها، صفحه‌ی ۳ تا ۱۱ کتاب درسی)  
روش اول: با توجه به جدول ارزش گزاره‌ها داریم:

p	q	r	$p \wedge q$	$(p \wedge q) \Rightarrow r$
د	د	د	د	د
د	د	ن	د	ن
د	ن	د	ن	د
د	ن	ن	ن	د
ن	د	د	ن	د
ن	د	ن	ن	د
ن	ن	د	ن	د
ن	ن	ن	ن	د

$q \Rightarrow r$	$p \Rightarrow (q \Rightarrow r)$	$p \Rightarrow r$	$q \wedge (p \Rightarrow r)$
د	د	د	د
ن	ن	ن	ن
د	د	د	ن
د	د	ن	ن
د	د	د	د
د	د	د	د
ن	د	د	د
د	د	د	ن
د	د	د	ن

$q \wedge r$	$p \Rightarrow (q \wedge r)$	$q \vee r$	$p \Rightarrow (q \vee r)$
د	د	د	د
ن	ن	د	د
ن	ن	د	د
د	د	د	د
د	د	د	د
ن	د	د	د
ن	د	ن	د

با توجه به جدول، هم ارز گزاره  $(p \wedge q) \Rightarrow r$  به صورت  $p \Rightarrow (q \Rightarrow r)$  است.

روش دوم: با استفاده از هم‌ارزی گزاره شرطی  $p \Rightarrow q$  به صورت  $(\sim p \vee q)$  داریم:

$$(p \wedge q) \Rightarrow r \equiv (\sim (p \wedge q) \vee r)$$

حال با استفاده از قانون دموورگان داریم:

$$\sim (p \wedge q) \vee r \equiv \sim p \vee \sim q \vee r \equiv \sim p \vee (\sim q \vee r)$$

حال از عکس نکته گفته شده در اول راه حل استفاده می‌کنیم.

$$\sim q \vee r \equiv q \Rightarrow r$$

$$\sim p \vee (\sim q \vee r) \equiv \sim p \vee (q \Rightarrow r) \equiv p \Rightarrow (q \Rightarrow r)$$



-۹۶

(کتاب آبی، استدلال ریاضی، صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳ کتاب درسی)

به بررسی تک تک گزینه‌ها می‌پردازیم:

گزینه «۱»: اگر عدد مورد نظر را  $x$  در نظر بگیریم، جذر دو برابر آن معادل  $\sqrt{2x}$  است و مربع عدد معادل  $x^2$  است، پس داریم:

$$\sqrt{2x} = x^2$$

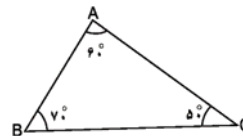
گزینه «۲»: اگر دو عدد مورد نظر را  $x$  و  $y$  در نظر بگیریم، معکوس آن‌ها  $\frac{1}{y}, \frac{1}{x}$  و معکوس مجموع آن‌ها  $\frac{1}{x+y}$  است. در نتیجه داریم:

$$\frac{1}{x} + \frac{1}{y} \geq \frac{1}{x+y}$$

گزینه «۳»: اگر عدد مورد نظر را  $x$  در نظر بگیریم، مکعب آن معادل  $x^3$  و مربع آن  $x^2 = x^3 + x$  است، در نتیجه داریم:گزینه «۴»: اگر عدد مورد نظر را  $x$  در نظر بگیریم، ریشه سوم مربع آن  $\sqrt[3]{x^2}$  و جذر مکعب آن به صورت  $\sqrt{x^3}$  است، در نتیجه داریم:  $\sqrt[3]{x^2} < \sqrt{x^3}$ . بنابراین گزینه «۲» صحیح است.

-۹۷

(کتاب آبی، استدلال ریاضی، صفحه‌ی ۱۴ و ۱۵ کتاب درسی)

اگر مثلثی متساوی الاضلاع باشد، آن‌گاه تمام زاویه‌های مثلث برابر  $60^\circ$  است، حال اگر یکی از زاویه‌های مثلثی  $60^\circ$  باشد، نمی‌توان با قطعیت گفت این مثلث متساوی الاضلاع است. به شکل زیر دقت کنید.

در این استدلال از قیاس استثنایی به شکل نادرست استفاده شده است و منجر به نتیجه‌گیری نادرست می‌شود. که به این گونه استدلال مغالطه می‌گویند و نتیجه به‌دست آمده از این استدلال ممکن است درست و یا نادرست باشد. پس در نتیجه این استدلال یک استدلالت قیاس استثنایی نیست.

-۹۸

(کتاب آبی، استدلال ریاضی، صفحه‌ی ۱۶ تا ۱۸ کتاب درسی)

دلیل نادرستی گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) را بررسی می‌کنیم:

$$\text{گزینه «۱»}: y = \frac{2x-3}{x-2} \Rightarrow y(x-2) = 2x-3 \Rightarrow yx-2y = 2x-3$$

خطا در این مرحله رخ می‌دهد هنگامی که  $y$  را در پرانتز ضرب می‌کنیم باید در کل عبارت‌های داخل پرانتز ضرب شود نه فقط در عبارت اول که این باعث به‌وجود آمدن خطا شده و استدلال نادرست شده است.

$$\text{گزینه «۲»}: y = \frac{2x-3}{x-2} \Rightarrow y(x-2) = 2x-3 \Rightarrow yx-2y = 2x-3$$

$$\Rightarrow yx - 2x = 2y - 3$$

$$\Rightarrow x(y-2) = y-3$$

خطا در این مرحله رخ داده است زیرا عدد ۲ که در عبارت  $y$  ضرب شده است را نمی‌توان با ۳ جمع کرد.

$$\text{گزینه «۳»}: y = \frac{2x-3}{x-2} \Rightarrow x-2 = y(2x-3)$$

خطا در همین مرحله رخ داده است زیرا هنگام طرفین وسطین کردن، عبارت  $y$  می‌بایست در عبارت  $(x-2)$  ضرب شود نه در عبارت  $(2x-3)$ .تمام مراحل استدلال گزینه‌ی «۴» صحیح است و منجر به به‌دست آوردن  $x$  بر حسب  $y$  به‌طور صحیح شده است.

-۹۹

(کتاب آبی، توابع ثابت، چندضابطه‌ای و همانی، صفحه‌ی ۲۶ و ۲۷ کتاب درسی)

تابع ثابت تابعی است که برد آن تنها شامل یک عضو است و تنها نمودار تابع گزینه (۱) می‌تواند یک تابع ثابت باشد.

-۱۰۰

(کتاب آبی، توابع ثابت، چندضابطه‌ای و همانی، صفحه‌ی ۲۶ و ۲۷ کتاب درسی)

تابع ثابت، تابعی است که برد آن تنها شامل یک عضو و ضابطه آن به صورت  $f(x) = k$  ( $k \in \mathbb{R}$ ) است. بنابراین داریم:

$$\begin{cases} \sqrt{c} = 4 \Rightarrow c = 16 \\ d + 5 = 4 \Rightarrow d = -1 \\ 2a = 4 \Rightarrow a = 2 \\ b + 1 = 4 \Rightarrow b = 3 \end{cases}$$

$$\Rightarrow \frac{b+c+d}{a} = \frac{3+16-1}{2} = \frac{18}{2} = 9$$

### علوم و فنون ادبی (۲)

-۱۰۱

(ممتاز شریفی، سبک عراقی، صفحه‌ی ۳۷)

وجود آرایه‌های متعدد و اشاره به ناپایداری دنیا از ویژگی‌های شعر سبک عراقی است که در این بیت نیز دیده می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: وجود «همی» و نیز کلمات اصیل فارسی مانند «نبايست، گویی...» از ویژگی‌های «سبک خراسانی» در شعر است.

گزینه «۲»: در این گزینه «مر» و «زیرا = زیرا» که از نشانه‌های سبک خراسانی است دیده می‌شود در حالی که این نشانه‌ها در سبک عراقی رو به زوال است.

گزینه «۴»: صحبت از «خرد» و ستایش آن از ویژگی‌های سبک خراسانی است در حالی که در سبک عراقی بیشتر از «عشق» سخن به میان می‌آید.

-۱۰۲

(میتبی مهنانی، پایه‌های آوایی، صفحه‌ی ۲۲)

شکل صحیح پایه‌های آوایی بیت به این صورت است:

هر چ گویم	عشق را شر	خ ب یان
چُن پد عشقا	یم خ جل گر	دم آ زان

-۱۰۳

(شبنم رمفانی، تشبیه، صفحه‌ی ۲۹)

در بیت اول «آتش فراق» و «سیم اشک»: دو تشبیه فشرده اضافی / کار رخم همچو زر شود: تشبیه گسترده

در بیت دوم «مرغم درون آتش» و «ماهی برون آب»: دو تشبیه فشرده غیراضافی

-۱۰۴

(عارف سادات طباطبایی نژاد، سبک عراقی، صفحه‌ی ۳۷ و ۳۸)

در بیت گزینه‌ی «۴»، «شادی‌گرایی» دیده می‌شود که از ویژگی‌های فکری سبک خراسانی است.

ویژگی فکری سایر آیات:

گزینه «۱»: «۱» رواج روحیه اخلاقی / گزینه «۲»: «۲» باور به قضا و قدر / گزینه «۳»: تلاش در راه رسیدن به معشوق و داشتن روحیه عرفانی



۱۰۵-

(میترا پاک‌زار، تشبیه، صفحه‌ی ۲۹ و ۳۰)

در بیت گزینۀ «۴»: پنج تشبیه فشرده به کار رفته است: مرغ دل - دام زلف - دانۀ خال - طایر اندیشه - دام هوس  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
 گزینۀ «۱»: عکس روی بار، رخ گل است / هوا، مشاطه (آرایشگر) است / آب، آینه‌دار است.  
 گزینۀ «۲»: کوه صبر، آتش عشق، آب عشق  
 گزینۀ «۳»: گوی زمین، چوگان عدل

۱۰۶-

(ممنصر، اصفری، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم، صفحه‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۹)

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینۀ «۱»: دولت‌شاه سمرقندی از نویسندگان قرن نهم است.  
 گزینۀ «۲»: «تاریخ گزیده» تاریخ پیامبران و خلفای چهارگانه، خلفای بنی عباس و تاریخ ایران را تا سال ۷۳۰ هـ. ق دربر می‌گیرد.  
 گزینۀ «۴»: توضیح این گزینه مربوط به سلمان ساوجی است.

۱۰۷-

(سعید بعفری، پایه‌های آوایی، صفحه‌ی ۲۲)

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینۀ «۱»:

عش قُ مس تو	ری نَ با شد	پای گو در	دام نا ور
-------------	-------------	-----------	-----------

گزینۀ «۲»:

مرغ کَه	طو ر تَ یی	خس تِ بِ من	قا ر مَ را
---------	------------	-------------	------------

گزینۀ «۴»:

دلِ م خون	شُد ز غص	صِ سا قی	کَ جایی
-----------	----------	----------	---------

۱۰۸-

(سعید بعفری، سبک عراقی، صفحه‌ی ۳۸ و ۳۹)

الف) درست است.

ب) ویژگی فکری است: نه زبانی.

ج) در این دوره برخی نویسندگان، کتاب‌های مشکل را به زبان ساده بازنویسی می‌کردند.

د) درست است.

۱۰۹-

(اعظم نوری‌نیا، تشبیه، صفحه‌ی ۲۷ و ۲۸)

در مصراع دوم بیت این گزینۀ، مشبه (ناموس) و مشبه‌به (پرده) آمده است.

گزینۀ «۱»: نور داغ عشق (مشبه)، نبود رایگان (وجه شبه)، چون (ادات تشبیه)، آفتاب (مشبه‌به)

گزینۀ «۲»: حسن (مشبه)، باشد جاودان (وجه شبه)، چون (ادات تشبیه)، آفتاب (مشبه‌به)

گزینۀ «۳»: چون (ادات تشبیه)، حباب (مشبه‌به)، از خجلت اظهار خاموشیم (وجه شبه)، ما (مشبه)

۱۱۰-

(اعظم نوری‌نیا، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم، صفحه‌ی ۱۵ و ۱۸)

الف) پس از مرگ تیمور، شاهرخ توانست هرات را مرکز فرماندهی خود قرار دهد. او حامی خوش‌نویسان، نقاشان و شاعران بود.

ب) کتاب تحفة‌الاحرار جامی از آناری است که به پیروی از نظامی سروده شده است.

پ) خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر مقتدر غازان‌خان و اولجایتو بود. مهم‌ترین کتابش «جامع التواریخ» نام دارد.

ت) مرصادالعباد از کتاب‌های قرن هفتم است. نثر کتاب گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه است.

### علوم و فنون ادبی (۲) (شاهد «گواه»)

۱۱۱-

(کتاب جامع، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم، صفحه‌ی ۱۵ کتاب درسی)

در تاریخ جهانگشا در خصوص تاریخ خوارزمشاهیان مطالبی وجود دارد.

۱۱۲-

(کتاب جامع (با تغییر)، تشبیه، صفحه‌ی ۲۹ کتاب درسی)

در گزینۀ «۱»: دو تشبیه فشرده به صورت اضافی وجود دارد: مرغ دل - آشیان فراق

**تشبیه فشرده به صورت اضافی در سایر گزینه‌ها:**

گزینۀ «۲»: گنج حُسن

گزینۀ «۳»: گل رخسار

گزینۀ «۴»: شیشه دل

۱۱۳-

(سؤال کتاب جامع، پایه‌های آوایی، صفحه‌ی ۲۲ کتاب درسی)

در بیت گزینۀ «۱» در هر مصراع، «چهار» و مجموعاً «هشت» پایه آوایی وجود دارد اما هر یک از ابیات سایر گزینه‌ها مجموعاً دارای «شش» پایه آوایی هستند.

گزینۀ «۱»:

ن کو هش	مَ کُن چَر	خِ نی لو	فَ ری را
بُ رون کُن	زِ سَر با	دُ خِ ر	سَ ری را

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینۀ «۲»:

عش ق هایی	کز ب ی رَن	گی ب وُد
عش ق نَب وُد	عا قِ بت نَن	گی ب وُد

گزینۀ «۳»:

دِ لِم پُر شَع	لِ گر دان سی	نِ پِر دود
زَ با نِم کُن	بِ گف تن آ	تَ شا لود

گزینۀ «۴»:

مَ سل ما نان	مَ را وُق تی	دِ لی بود
کِ با او گُف	تِ می گر مُش	کِ لی بود



## تاریخ (۲)

-۱۱۴

(سؤال کتاب جامع، پایه‌های آوایی، صفحه‌ی ۲۴ کتاب درسی)

آخرین پایه‌ی آوایی در دو مصراع بیت، به ترتیب: «لان کنی» و «نَگْذَری» و بر وزن «-U-» است. اما وزن کلمه‌ی «ناکستان»، «---» است.

-۱۱۵

(سؤال کتاب جامع (با تغییر)، تشبیه، صفحه‌ی ۲۸ کتاب درسی)

سیمرغ جان به تیری در کمان تشبیه شده است.

وجه‌شبه: جهیدن

-۱۱۶

(سؤال کتاب جامع، سبک عراقی، صفحه‌ی ۳۸ و ۳۹ کتاب درسی)

«بایرنامه» به زبان ترکی نوشته شده است.

-۱۱۷

(سؤال کتاب جامع، سبک عراقی، صفحه‌ی ۳۷ و ۳۸ کتاب درسی)

بیت گزینۀ «۲» از اشعار سبک خراسانی است و در آن واقع‌گرایی و توجه به دنیای بیرون دیده می‌شود و ابیات سایر گزینۀها از اشعار سبک عراقی است.

-۱۱۸

(سؤال کتاب جامع (با تغییر)، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم، صفحه‌ی ۱۳ کتاب درسی)

در قرن هفتم قالب‌های جدیدی در شعر و نثر پدید آمد.

-۱۱۹

(سؤال کتاب جامع (با تغییر)، تشبیه، صفحه‌ی ۲۹ کتاب درسی)

در گزینۀ «۴»: ۴ تشبیه به کار رفته است: آتش مهر، رشته صبر، مراض (چیچی) غم، چون شمع سوزان هستم.

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀ «۱»: ۲ تشبیه: جام وصل - باغ عیش

گزینۀ «۲»: ۲ تشبیه: تیر بلا، مانند سپر بودن

گزینۀ «۳»: ۱ تشبیه: طناب هوس

-۱۲۰

(سؤال کتاب جامع، سبک عراقی، صفحه‌ی ۳۷ کتاب درسی)

تشریح گزینۀهای دیگر:

گزینۀهای «۱»، «۲» و «۴» به ترتیب دربردارنده‌ی موضوعات بی‌اعتباری دنیا، هر چه از دوست رسد، نیکوست و اعتقاد به قضا و قدر هستند که همگی از نتایج رواج تصوف بودند.

-۱۲۱

(بهر روز یغی، منابع پژوهش در تاریخ اسلام و ایران، صفحه‌های ۲، ۳، ۵ تا ۷)

منابع غیرنوشته‌ای به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- محوطه‌ها و بناهای تاریخی ۲- ابزارها و وسایل ساخته دست انسان ۳- آثار شفاهی کتاب «جامع التواریخ» اثر خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی جزء کتاب‌های تاریخی عمومی است. «فارسنامه» به قلم ابن بلخی است و تاریخ بیهقی اثر ابوالفضل بیهقی مربوط به تاریخ «غزنویان» می‌باشد.

-۱۲۲

(صیبه مهبی، منابع پژوهش در تاریخ اسلام و ایران، صفحه‌های ۸ و ۱۰ تا ۱۲)

از نمونه‌های تاریخ منظوم می‌توان به کتاب «ظفرنامه» حمدالله مستوفی و شاه اسماعیل نامه قاسمی حسینی کتابادی درباره‌ی فتوحات مؤسس سلسله صفوی، شاه اسماعیل اول اشاره کرد.

«المسالک و الممالک»، تألیف نویسندگان مختلف از جمله ابن خردادبه است.

«الطبقات الکبری»، اثر ابن سعد کاتب واقدی است.

-۱۲۳

(الهام میرزائی، روش پژوهش در تاریخ، صفحه‌های ۱۴، ۱۷ و ۱۸)

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) در گذشته، مورخان مثل مسعودی برای بررسی درستی و یا نادرستی برخی از اخبار و گزارش‌های تاریخی به مسافرت می‌رفتند و از نزدیک مکان رویدادها را مورد مطالعه قرار می‌دادند.

ب) در تاریخ‌نگاری روایی، تاریخ‌نگاران هیچ‌گونه دخل و تصرفی در روایت‌ها نمی‌کردند و آن‌ها را عیناً ذکر می‌کردند.

ت) کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر، نوشته‌ی علی بن حسین مسعودی است.

-۱۲۴

(منصوره هابی زاره، امت و حکومت نبوی در مدینه، صفحه‌ی ۳۷ تا ۴۰)

الف) مورخان سال نهم هجری را سال وفود یا سال اسلام آوردن قبیله‌ها نامیده‌اند.

ب) تغییر قبله مسلمانان از بیت‌المقدس به سوی مکه، یکی دیگر از اقداماتی بود که پیامبر (ص) به فرمان الهی در پی بهانه‌جویی یهودیان انجام داد.

پ) در سال نخست هجرت، پیامبر (ص) به دنبال نزول آیات جهاد، تصمیم به تشکیل نیروی نظامی گرفت.

ت) پیامبر پس از جنگ بدر، شرط آزادی هر یک از اسیران باسواد را آموزش خواندن و نوشتن به ده تن از مسلمانان تعیین کرد.

-۱۲۵

(الهام میرزائی، اسلام در مکه، صفحه‌های ۲۵، ۲۶ و ۲۹)

الف) نزول نخستین آیات سوره علق، بر پیامبر (ص)، به منزله‌ی آغاز پیامبری و رسالت الهی حضرت محمد (ص) بود.

ب) ابوبکر بن ابی قحافه نخستین فرد بیرون از خانواده‌ی پیامبر (ص) بود که اسلام آورد.

پ) وفات حضرت خدیجه (س) و حضرت ابوطالب در سال دهم بعثت بود.



### جغرافیا (۱۲)

۱۲۶-

(مهری کلردان، اسلام در مکه، صفحه‌ی ۲۱ تا ۲۳)

(الف) وابستگی شدید عرب‌ها به قبیله خود، موجب به‌وجود آمدن تعصب یا عصبیت قبیله‌ای شده بود.

(ب) مکه چون بر سر راه یمن به شام قرار داشت، مرکز اصلی بازرگانی به‌شمار می‌رفت.

(ج) معدودی از عرب‌ها بودند که به پیروی از حضرت ابراهیم، از پرستش بت‌ها امتناع می‌کردند و از گوشت قربانی آن‌ها نمی‌خوردند.

(د) وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردمانی که حضرت محمد (ص) در میان آنان مبعوث شد، دارای ویژگی شاخصی بود که قرآن از آن با صفت «جاهلی» یاد کرده است.

۱۲۷-

(بهروز یبسی، امت و حکومت نبوی در مدینه، صفحه‌ی ۳۴ و ۳۵)

برخی از مهاجران بی‌بضاعت در جوار مسجد اقامت گزیدند و به اهل صفا مشهور شدند. پیامبر (ص) در نخستین ماه‌های پس از هجرت با هدف ایجاد همدلی و وحدت دینی میان مسلمانان، به آنان توصیه کرد که بدون در نظر گرفتن وابستگی‌های قبیله‌ای، با یکدیگر پیوند برادری برقرار نمایند. پیمان‌نامه عمومی مدینه به تأیید مسلمانان و بسیاری دیگر از گروه‌های غیر مسلمان مستقر در مدینه رسید.

۱۲۸-

(هژبر ریمی، امت و حکومت نبوی در مدینه، صفحه‌ی ۳۷ تا ۴۱)

(الف) در نتیجه تداوم سیاست تعقیب کاروان‌های تجاری قریش توسط مسلمانان، سرانجام در سال دوم هجرت، جنگ بزرگی میان سپاه اسلام و مشرکان در جایی موسوم به بدر شکل گرفت.

(ب) منافقان می‌کوشیدند که انصار را علیه مهاجرین تحریک کنند.

(ج) رسول خدا در واپسین روزهای زندگی خود دستور داد سپاه اسلام به منظور مقابله با تهدیدات رومیان به سرحدات شام حرکت کنند.

(د) جزیه، مالیات سرانه‌ای بود که به مردان بالغ اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان) که به لحاظ مالی توانایی پرداخت آن را داشتند، تعلق می‌گرفت.

۱۲۹-

(مهری کلردان، تثبیت و گسترش اسلام در دوران خلفای نخستین، صفحه‌ی ۴۴، ۴۶ و ۴۷)

(الف) بحران ارتداد و جنگ‌های رده در زمان ابوبکر ابن ابی‌قحافه روی داد.

(ب) بر اساس وصیت‌نامه مکتوب خلیفه اول، عمر بن خطاب شد.

(ج) ماجرای مباحله رسول خدا با مسیحیان نجران روی داد.

(د) در زمان عثمان بن عفان، اختلافات اوج گرفت و تعصبات طایفه‌ای و قبیله‌ای در درون جامعه اسلامی تشدید شد.

۱۳۰-

(مبینه مهبی، تثبیت و گسترش اسلام در دوران خلفای نخستین، صفحه‌ی ۴۸، ۴۹ و ۵۱)

(الف) لشکرکشی اعراب مسلمان به سرزمین‌های مجاور شبه جزیره عربستان فتح سرزمین‌های ایران، شام و مصر را در پی داشت.

(ب) اختلافات مذهبی و تفاوت‌های قومی، فرهنگی و زبانی که میان توده‌های مردم شام با طبقه حکومتگر رومی وجود داشت، سبب شده بود که پایه‌های حاکمیت امپراتوری روم شرقی در این منطقه سست شود.

(پ) با فتح مصر، سلطه و نفوذ سیاسی - نظامی امپراتوری روم شرقی در آن سرزمین از بین رفت، شام از خطر هجوم رومیان تا حدودی در امان ماند و زمینه برای پیشروی مسلمانان در دیگر مناطق آفریقا مهیا شد.

۱۳۱-

(بهروز یبسی، معنا و مفهوم ناحیه، صفحه‌ی ۴ و ۵)

یکی از کارهای جغرافی‌دانان، مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های مکان‌هاست و ناحیه‌بندی بر اساس طرز تفکر یک جغرافی‌دان و شیوه کار او صورت می‌گیرد و میانگین سالانه بارش خراسان شمالی و آذربایجان و زاگرس (۳۱۳ میلی‌متر) یکسان است.

۱۳۲-

(مبینه مهبی، معنا و مفهوم ناحیه، صفحه‌های ۶، ۷ و ۹)

#### تشریح عبارتهای نادرست:

(الف) نوع خاک، ناحیه‌هایی متمایز از یکدیگر به‌وجود می‌آورد و بر نوع پوشش گیاهی و کشت و ... اثر می‌گذارد.

(ب) اقوام پشتون و هزاره به ترتیب نواحی جنوبی و مرکزی افغانستان را دربر می‌گیرند.

۱۳۳-

(مهری کلردان، انسان و ناحیه، صفحه‌ی ۱۱ تا ۱۳)

(الف) نواحی با یکدیگر رابطه و کنش متقابل دارند.

(ب) نواحی به فعالیت‌های انسان‌ها شکل می‌دهند.

(ج) انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند.

۱۳۴-

(مهمربراهیم علی‌نژاد، انسان و ناحیه، صفحه‌ی ۱۳ و ۱۴)

دولت امارات متحده عربی با ساختن جزیره‌های مصنوعی در آب‌های خلیج فارس، نواحی جدیدی در منطقه ایجاد کرده است. صاحب نظران معتقدند که ساختن این جزایر پیامدهای بسیار نامطلوبی برای محیط‌زیست خلیج فارس دارد.

۱۳۵-

(بهروز یبسی، انسان و ناحیه، صفحه‌ی ۱۶ تا ۱۸)

تعیین نواحی انسانی دشوارتر از نواحی طبیعی است و قوم پشتون در دو کشور پاکستان و افغانستان گسترده شده است و نواحی سیاسی با مرزهای قراردادی از نواحی مجاور، متمایز می‌شوند.

۱۳۶-

(بهروز یبسی، نواحی آب و هوایی، صفحه‌ی ۲۱ تا ۲۳)

هوا وضعیت گذرا و موقتی هواکره (اتمسفر) در یک محل در مدت زمانی کوتاه است. بیش‌ترین تغییرات آب‌وهوایی در لایه زیرین آن، یعنی وردسپهر (تروپوسفر) به‌وجود می‌آید. از دریافت نامساوی انرژی خورشید بر سطح زمین مناطق گرم، معتدل و سرد پدید می‌آید.



### جامعه‌شناسی (۲)

۱۳۷-

(هژبر، رفیعی، نواحی آب و هوایی، صفحه‌ی ۲۴ تا ۲۶)

الف) هوای گرم نسبت به اطراف خود فشار کمتری دارد و در نتیجه بر روی منطقه‌ی گرم یک مرکز کم فشار (سیکلون) ایجاد می‌شود.

ب) وقتی در یک ناحیه دو توده‌ی هوای متفاوت در مجاورت یکدیگر قرار بگیرند و به هم برخورد کنند، یک منطقه‌ی گذار یا تغییر از نظر دما یا فشار در مرزهای آنها پدید می‌آید.

پ) جهت وزش بادهای بر اثر حرکت وضعی زمین و نیروی کوریولیس در نیمکره‌ها به سمت غرب و شرق منحرف می‌شود.

۱۳۸-

(هژبر، رفیعی، ناهمواری‌ها و اشکال زمین، صفحه‌ی ۴۴ و ۴۵)

**تشریح عبارت‌های نادرست:**

گزینه‌ی «۱»: در کوهستان‌ها با توجه به شرایط آب و هوایی و جنس سنگ‌ها، پیوسته هوازدگی فیزیکی (مکانیکی) و شیمیایی رخ می‌دهد.

گزینه‌ی «۲»: دره‌های V شکل معمولاً بر اثر جریان آب رودها و فرسایش آبی، شکل می‌گیرند و علت اینکه آنها را با حرف V نام‌گذاری کرده‌اند این است که دامنه‌های پرشیب و تنگ دارند.

گزینه‌ی «۳»: به سنگ‌ها و رسوباتی که یخچال‌ها با خود حمل می‌کنند، «سورن یا یخرفت» می‌گویند.

۱۳۹-

(ممدابراهیم علی‌نژاد، ناهمواری‌ها و اشکال زمین، صفحه‌ی ۳۸ و ۳۹)

فلات‌ها، سرزمین‌های مرتفع و نسبتاً همواری هستند که در کوهستان‌ها محصور بوده و کناره‌های آنها با شیب تند به نواحی پست متصل می‌شود.

فلات‌ها و کوه‌ها هر دو مرتفع‌اند اما کوه دارای قله است و هرچه به سمت نوک آن می‌رویم، باریک‌تر می‌شود.

دشت‌ها سرزمین‌هایی پست و نسبتاً هموارند که در میان کوه‌ها یا در کنار سواحل و یا میان فلات‌ها و کف دره‌ها قرار گرفته‌اند.

دشت‌ها از مهم‌ترین اشکال زمین هستند که با وسعت‌های مختلف، در همه‌ی قاره‌ها وجود دارند. آنها بیش از یک سوم سطح زمین را پوشانده‌اند و نواحی عمده‌ی سکونت، زندگی و فعالیت انسان‌ها را تشکیل می‌دهند.

۱۴۰-

(مبینه مبینی، ناهمواری‌ها و اشکال زمین، صفحه‌ی ۴۱ تا ۴۳)

الف) سرعت هوازدگی در سنگ‌ها متفاوت است و به عواملی چون جنس سنگ‌ها، نوع آب و هوا و زمان بستگی دارد.

ب) در فرسایش، به کنده شدن مواد از جای خود «حفر» می‌گویند.

پ) فعالیت‌های مربوط به تکتونیک ورقه‌ای از طریق ایجاد چین خوردگی‌ها، گسل‌ها یا بالا آمدن مواد مذاب و شکل‌گیری آتشفشان، کوه‌ها را به وجود می‌آورند.

۱۴۱-

(الهام میرزائی، باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب، صفحه‌ی ۴۲)

روشنگری در معنای خاص، به مبنای معرفت‌شناسی پذیرفته شده در فرهنگ غرب گفته می‌شود و روشی از معرفت و شناخت است که با سکولاریسم و اومانیزم همراه شده است. این روش در طول بیش از چهارصد سال فرهنگ جدید غرب، شکل‌های مختلفی پیدا کرده است که وجه مشترک همه‌ی آنها کنار گذاشتن وحی و شهود در شناخت حقیقت است.

۱۴۲-

(سوفیا فرفی، نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱، صفحه‌ی ۲۴)

الف) سلطه‌ی جهان غرب بر کشورهای دیگر به سلطه‌ی نظامی محدود نشد، بلکه به مرور اشکال جدیدی از آن پدیدار شد.

ب) در استعمار نو، کشورهای استعمارگر با استفاده از شرایط مساعدی که در دوره‌ی استعمار ایجاد کرده‌اند، از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره برای رسیدن اهداف استعماری خود استفاده می‌کنند.

ج) کودتای نوزه از جمله کودتاهای مربوط به استعمار نو بوده است.

۱۴۳-

(ممدابراهیم علی‌نژاد، فرهنگ جهانی، صفحه‌ی ۱۲)

فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در جهان گسترش می‌یابد فرهنگ جهانی است. فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آنها مربوط به قوم و منطقه خاصی است، از محدوده‌ی قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند؛ مگر اینکه نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند. در طول تاریخ، فرهنگ‌هایی وجود داشته‌اند که از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به سوی جهانی شدن گام برداشته‌اند.

۱۴۴-

(ممدابراهیم علی‌نژاد، فرهنگ جهانی، صفحه‌ی ۱۴)

ابیات صورت سؤال اشاره به عقاید و ارزش‌های بنیادین و جهان‌شمول و مشترک انسانی دارند. عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی باید عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی باشد که از آن‌ها به عقاید و ارزش‌های عام و جهان‌شمول یاد می‌شود.

۱۴۵-

(حامد مغربی‌سینگی، نمونه‌های فرهنگ جهانی ۲، صفحه‌ی ۲۷ و ۲۸)

الف) عقل در فرهنگ اسلام، زیباترین و محبوب‌ترین مخلوق خداوند است.

ب) در سال نهم هجرت، گروه‌های مختلف برای پذیرش اسلام از سراسر شبه جزیره عربستان به مدینه آمدند.

ج) رسول خدا (ص) طی ده سال حکومت، موانع سیاسی پیش روی اسلام در شبه جزیره عربستان را از بین برد.





### فلسفه

۱۴۶-

(سوفیا فرنی، نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱، صفحه‌ی ۲۵)

الف) جهان غرب در استعمار فرانسه، هویت فرهنگی دیگر کشورها را هدف قرار می‌دهد.

ب) مردمی که برتری فرهنگی جهان غرب را پذیرفته باشند، هویت خود را در حاشیه‌ی جهان غرب جست و جو می‌کنند و به مسیری می‌روند که جهان غرب برای آنان ترسیم می‌کند.

ج) در سال ۱۸۳۶، انگلیسی‌ها، زبان انگلیسی را به جای فارسی، زبان رسمی هند کردند.

د) در استعمار نو، استعمارگران پنهان و مجربان آشکارند.

۱۴۷-

(بهرز بیبی، جهان فرهنگی، صفحه‌ی ۳ و ۵)

هرچه با اندیشه و عمل انسان پدید می‌آید، به جهان انسانی تعلق دارد. وقتی فردی درباره‌ی مسئله‌ای خاصی می‌اندیشد، در محدوده‌ی فردی و ذهنی خود قرار دارد، ولی هنگامی که اندیشه خود را به صورت گفتار یا نوشتار بیان می‌کند یا براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، به جهان فرهنگی وارد می‌شود و فرهنگ، شیوه‌ی زندگی اجتماعی انسان‌ها را شکل می‌دهد و خود نیز محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست.

۱۴۸-

(حامد مغربی‌سینگی، نمونه‌های فرهنگ جهانی ۲، صفحه‌ی ۳۱)

**تشریح عبارات نادرست:**

الف) استبداد استعماری برای تأمین نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت.

ب) قدرت سیاسی جوامع اسلامی تا قبل از استعمار، بیشتر قومی و قبیله‌ای بود.

۱۴۹-

(الهام میرزائی، باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب، صفحه‌های ۳۸، ۳۹، ۴۲ و ۴۳)

**تشریح عبارات نادرست:**

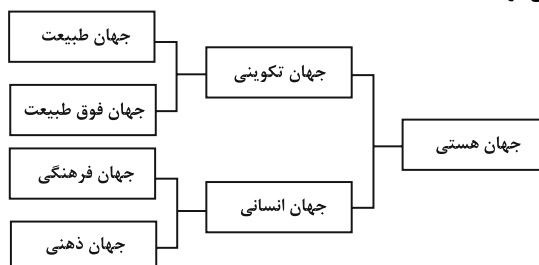
الف) از روشنگری به عنوان مهم‌ترین ویژگی معرفت‌شناختی فرهنگ معاصر غرب یاد شده است.

ت) سکولاریسم پنهان شامل باورها و فلسفه‌هایی است که ابعاد معنوی هستی را نفی نمی‌کند، بلکه بخش‌هایی از باورهای معنوی و دینی را در خدمت اهداف دنیوی و این جهانی قرار می‌دهند.

۱۵۰-

(بهرز بیبی، جهان فرهنگی، صفحه‌ی ۷)

جهان هستی به دو بخش جهان تکوینی و جهان انسانی تقسیم می‌شود و جهان تکوینی خود به دو بخش جهان طبیعت و جهان فوق طبیعت تقسیم می‌گردد و جهان انسانی نیز به دو بخش جهان ذهنی (فردی) و جهان فرهنگی (اجتماعی) تقسیم می‌شود.



۱۵۱-

(عاطفه‌ربابه صالحی، فلسفه و زندگی، صفحه‌ی ۲۷)

انسان ذاتاً متفکر است و درباره‌ی خود، آغاز و انجام جهان، هدف زندگی و غایت هستی می‌پرسد. همین پرسش‌گری ورود به دنیای فلسفه و فلسفه‌ورزی است.

۱۵۲-

(عاطفه‌ربابه صالحی، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌ی ۱۹)

«پارمنیدس» فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخته است. از نظر وی، هستی و وجود حقیقتی ثابت دارد، نه در حال حرکت و شدن.

۱۵۳-

(فرهناز قان‌مهمری، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳)

فیلسوف در مواجهه با سؤال‌های فلسفی می‌کوشد با کمک عقل و استدلال و منطق، پاسخ درست را بیابد و با همان استدلال و منطق آن پاسخ را با دیگران در میان بگذارد. او با دیدن اختلاف نظر ناامید نمی‌شود؛ چون او می‌داند، همان‌طور که امکان اشتباه در انسان هست، امکان رسیدن به حقیقت نیز در او وجود دارد.

فیلسوف می‌کوشد عوامل اشتباه و موانع را از راه تفکر بردارد و به حقیقت، آن‌گونه که هست برسد، نه آن‌گونه که دلش می‌خواهد و احساساتش او را به آن‌سو تحریک می‌کند.

۱۵۴-

(فرهناز قان‌مهمری، فلسفه و زندگی، صفحه‌ی ۲۸)

فیلسوف واقعی کسی است که درباره‌ی استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی‌ببرد، آنها را می‌پذیرد.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: فیلسوف درباره مسائل فلسفی به نحو جدی فکر می‌کند.

گزینه‌ی «۲»: فیلسوف با روش «درست» وارد مسائل فلسفی می‌شود و پاسخ می‌دهد.

گزینه‌ی «۳»: باورهای منظم «پیوسته» دارد و می‌تواند برای آن‌ها استدلال ارائه کند.

۱۵۵-

(فرهناز قان‌مهمری، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌ی ۱۷)

همان‌طور که در تاریخ فلسفه‌ها آمده است، «گزارش معتبر و قابل اعتمادی از جریان فلسفه در سرزمین آتن و تمدن یونان، در قرن‌های چهارم و پنجم پیش از میلاد، در دست است»؛ به همین دلیل برخی از محققان اروپایی، کتاب‌های تاریخ فلسفه خود را با یونان آغاز کرده‌اند.





۱۵۶-

(فاطمه شه‌میری، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌ی ۱۸)

تالس فیلسوفی یونانی است که هیچ‌گونه نوشته‌ای از او باقی نمانده است؛ تنها از روی نوشته‌های فیلسوفان بعدی می‌توان از افکار او آگاه شد.

۱۵۷-

(هژبر ریمی، فلسفه و زندگی، صفحه‌ی ۲۹)

پس از آزادی از زنجیر عادت‌های نابخردانه و قیود اندیشه، می‌توان آزادانه اندیشید و به تدریج زندگی را بر زیربنایی محکم و استوار بنا کرد.

۱۵۸-

(فاطمه شه‌میری، چستی فلسفه، صفحه‌ی ۵)

اگر خوب تأمل کنیم، متوجه می‌شویم که «پاسخ ما به پرسش‌های بنیادی» نحوه‌ی زندگی، رفتار و گفتار ما را شکل می‌دهد و برای به‌دست آوردن این پاسخ‌ها باید از «تفکر فلسفی» استفاده کرد.

۱۵۹-

(دنیز پایداری، ترکیبی، صفحه‌ی ۴ و ۲۹)

سؤال «جهان طبیعت از چه چیزی تشکیل شده است؟» پرسش فلسفی نیست به همین دلیل به حیرت فلسفی منجر نمی‌شود.

۱۶۰-

(فاطمه شه‌میری، فلسفه و زندگی، صفحه‌ی ۲۷ و ۲۸)

فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایه‌ی توهم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند. این موضوع نشانه‌ی استقلال در اندیشه و از آثار زندگی بر پایه‌ی فهم فلسفی می‌باشد.

### روان‌شناسی

۱۶۱-

(فامر مغربی‌سینکی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۲۷ تا ۲۹)

الف) از نتایج پرسش‌نامه‌ها باید با احتیاط استفاده کرد.  
ب) استفاده از مصاحبه‌های بدون ساختار یا بدون نظام، بسیار وقت‌گیر بوده و نیازمند آموزش‌های ویژه است.  
ج) مشاهده باید همراه با ثبت دقیق و به دور از پیش‌داوری شخصی باشد.

۱۶۲-

(سوفیا فرخی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۴۰ و ۴۱)

الف) از لحاظ رشد جسمانی، کودک در ۱۵ ماهگی بدون کمک می‌تواند راه برود.  
ب) از آنجا که وراثت نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد یا آمادگی زیستی افراد برای تغییرات دارد. در بسیاری از موارد با توجه به بررسی خصوصیات افراد فامیل نزدیک و دور می‌توان احتمال وقوع برخی از ویژگی‌های رفتاری و شناختی را در دامنه‌های سنی خاص پیش‌بینی کرد.  
عوامل وراثتی، ایجادکننده صفاتی هستند که قبل از تولد در فرد نهفته است.

۱۶۳-

(هژبر ریمی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۶۲ و ۶۳)

#### تشریح عبارات نادرست:

- برای اینکه شناخت به اخلاق منتهی شود، شناخت باید به عقاید و باورها و ارزش‌های فرد تبدیل شود.  
- رویاپردازی در نوجوانی غیرطبیعی نیست ولی استفاده مکرر از آن باعث افت در عملکرد تحصیلی و سایر عملکردها می‌شود.

۱۶۴-

(سوفیا فرخی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۴۰)

دوقلوهای همسان نه تنها باید هم جنس باشند بلکه باید هر دو از یک تخمک به وجود بیایند.

۱۶۵-

(سوفیا فرخی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۳۸ و ۳۹)

یاد گرفتن دوچرخه‌سواری براساس تمرین و آموزش بر اثر عوامل محیطی است و این بیت با توجه به کلمه بنیاد اشاره به تأثیر عوامل وراثتی دارد.

۱۶۶-

(سوفیا فرخی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۳۷)

در روان‌شناسی رشد می‌توان جنبه‌های مختلف انسان را از یکدیگر تفکیک کرد؛ جنبه‌های جسمانی (بلند شدن قد)، شناختی (حل مسائل)، هیجانی (ابراز خشم)، اجتماعی (روابط با همسالان) و اخلاقی (رعایت حقوق دیگران) هر یک قابل تفکیک از دیگری است.

۱۶۷-

(هژبر ریمی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۶۱)

روابط اجتماعی نوجوان، در مقایسه با دوران کودکی و بروز احساس خودمختاری و استقلال نسبت به والدین، با مسائل اخلاقی و ارزشی نیز بیشتر درگیر می‌شود و زمینه‌های رشد ارزش‌های اخلاقی در وی افزایش می‌یابد.

۱۶۸-

(هژبر ریمی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۵۹)

افراد برای یافتن پاسخ سؤال «من کیستم؟» به جست‌وجوی خویشتن و کسب هویت می‌پردازند. به عبارت دیگر هویت همان تمایزی است که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد.

۱۶۹-

(الهام میرزائی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۵۳ و ۵۴)

منظور از بلوغ جنسی مرحله‌ای است که در آن رشد جنسی رخ می‌دهد. منظور از رشد جنسی وقوع تغییرات مربوط به جنس است.  
رویش موی صورت در پسران جزء ویژگی‌های ثانویه جنسی است.  
از دوازده سالگی تا بیست سالگی را با نام دوره‌ی نوجوانی می‌شناسیم.

۱۷۰-

(الهام میرزائی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۵۶)

این مطلب که باید به نوجوانان کمک کرد تا دریابند جوامع و افراد، آمیزه‌ای از محاسن و معایب هستند، به پیامد «آرمان‌گرایی و عیب‌جویی» به تغییرات شناختی در نوجوانان اشاره دارد.



۱۷۱-

(الهام میرزائی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۵، ۵۷ و ۵۸)

الف) گرویدن نوجوان به گروه همسالان مربوط به رشد اجتماعی است.  
 ب) تحریک‌پذیری نوجوان و تغییر سریع حالات هیجانی او، مربوط به رشد هیجانی است.  
 پ) فرضیه‌سازی نوجوانان مربوط به رشد شناختی آنان است.

۱۷۲-

(هژبر رفیعی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۳۷ تا ۳۹)

روان‌شناسان رشد معتقدند ویژگی‌های افراد و تغییراتی که در طول دوره زندگی از دوره جنینی تا دوره سالمندی، در افراد رخ می‌دهد می‌تواند معلول دو دسته عوامل وراثتی و محیطی باشد.

۱۷۳-

(الهام میرزائی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۵۳ تا ۵۵)

**تشریح عبارتهای غلط:**

ب) نوجوانی دوره‌ای است که با شدیدترین و گسترده‌ترین تغییرات زیستی همراه است.  
 پ) در دوره نوجوانی، اندازه و ظرفیت شش سه برابر و اندازه قلب دو برابر قبل می‌شود.

۱۷۴-

(حامد مغربی‌سینگی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۲۱)

به فرایند تفسیر محرک‌های انتخابی، «ادراک» گفته می‌شود. آخرین مرحله از شناخت پایه را «حافظه» تشکیل می‌دهد که مرحله بعد از ادراک است. «تفکر» که جزء شناخت عالی محسوب می‌شود، شامل استدلال، قضاوت، حل مسئله و تصمیم‌گیری است.

۱۷۵-

(حامد مغربی‌سینگی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۲۲)

برخی از پردازشگران، صرفاً بر ویژگی‌های حسی، همانند اندازه و شکل ظاهری محرک، تکیه دارند. نوع پردازش در چنین حالتی، «پردازش ادراکی» است. هر چه پردازش ما مفهومی‌تر باشد، شناخت شکل گرفته، پایدارتر و کارآمدتر خواهد بود. عالی‌ترین مرتبه شناخت حل مسئله و تصمیم‌گیری است.

۱۷۶-

(حامد مغربی‌سینگی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۲۰ تا ۲۲)

**تشریح عبارتهای نادرست:**

الف) هرچه از شناخت پایه به سوی شناخت عالی پیش می‌رویم، عمل «پردازش» پیچیده‌تر می‌شود.  
 ب) به کمک توجه یک یا چند محرک احساس شده را انتخاب می‌کنیم.

۱۷۷-

(مهدی ابراهیم علی‌نژاد، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳)

پژوهش‌های دانشمندان با طرح مسئله شروع می‌شود. آنها با توجه به دانش و تجربه خودشان و پیشینیان سعی می‌کنند پاسخ‌های خردمندانه و سنجیده‌ای به مسئله‌های علمی بدهند. به این قبیل پاسخ‌ها فرضیه گفته می‌شود. فرضیه پاسخ اولیه پژوهشگران به مسئله‌های علمی است. «گذشت زمان باعث تضعیف حافظه می‌شود»، «فرایندهای ذهنی ناخودآگاه موجب برانگیخته شدن رفتار فرد می‌شود» و «بازی‌های رایانه‌ای موجب آرامش فرد می‌شوند» از جمله مثال‌های فرضیه هستند.

۱۷۸-

(مهدی ابراهیم علی‌نژاد، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۶)

شیوه‌های مبتنی بر سیر و سلوک و روش‌های شهودی: این روش مبتنی بر درک درونی است. روش‌هایی که عرفا برای کسب شناخت دارند در این مقوله قرار دارد. مهم‌ترین ویژگی این شیوه، شخصی و غیر قابل تعمیم بودن آن روش است. روش خردگرایانه: در این شیوه با کمک فلسفه و روش‌های مبتنی بر منطق، به حقیقت چیزی پی می‌برند. فیلسوفان از این روش استفاده می‌کنند. روش علمی: در این روش از روش‌های تجربی استفاده می‌شود. روش‌های علمی، عینی و قابل تکرار هستند.

۱۷۹-

(مهدی ابراهیم علی‌نژاد، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۸)

«تعریف عملیاتی» این است که در روش علمی، متغیر موردنظر باید به صورت عینی و دقیق تعریف شود؛ به گونه‌ای که همه افراد با مطالعه تعریف متغیر موردنظر، به برداشت یکسان و یا تقریباً یکسانی برسند. متغیر یعنی هر چیزی که تغییر می‌کند. نمره یک درس، مقادیر مختلفی از یک تا بیست را شامل می‌شود، پس یک متغیر است. تعریف عملیاتی باعث سهولت اندازه‌گیری می‌شود. اندازه‌گیری یعنی نسبت دادن عدد به ویژگی‌های اشیا و افراد. هرچه متغیر دقیق‌تر تعریف شود، اندازه‌گیری هم دقیق‌تر است.

۱۸۰-

(مهدی ابراهیم علی‌نژاد، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۱)

برای آگاهی از درستی یا نادرستی پاسخ افراد غیر متخصص باید آنها را با واقعیت‌های تأیید شده علم روان‌شناسی مطابقت دهیم. در صورت ناهمخوانی، پاسخ، پذیرفته نیست. روش دیگر اینکه اگر با پاسخی مواجه شدیم که دانشی از آن وجود نداشت باید آن پاسخ با روش‌های علمی قابل بررسی باشد تا صحت آن تأیید شود. هر فردی می‌تواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، اما پاسخ‌های دقیق و معتبر با ارزش است. روان‌شناسی، با پرسش‌های بسیاری مواجه است که پاسخگویی به آنها دانش و پژوهش روز افزونی را می‌طلبد. افراد غیرمتخصص به این پرسش‌ها، پاسخ‌های عامیانه می‌دهند و به تدریج دیدگاه شخصی خود را باور کرده، تبعیت دیگران را می‌طلبند.